خارج فقه جلسه 19 - مسح بر حائل - 07/08/1401

موضوع: (مسح بر حائل متعدد - مسح بر حائل در ضیق وقت - میزان رطوبت بر حائل)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

در پایان مسئله سی‌وسه به سه امر اشاره شده است:

امر اول: مسح بر حائل را در صورت ضرورت جایز دانسته‌اند و این حکم به جواز هم برای مسح سر و هم پا است و برای ضرورت در متن به سرما و تقیه مثال زده شده که درباره سرما اتفاق همه فقها در تعمیم حکم است و هم معاقد اجماعات (همان مسبب است یعنی همه علما یک متن بنویسند) مطلق است و صاحب حدائق می‌گوید ظاهر فتاوای علما در سرما تعمیم است و هم شامل پا و سر می‌شود.

امر دوم: اگر حائل متعدد بود فقها می‌فرمایند کم کردن حائل واجب نیست گرچه مستحب است و دلیل همان خبر عبدالأعلی است که حضرت فرمودند «امسح علیه» که مطلق است که یکی باشد یا بیشتر و همچنین روایات وضوی جبیره که مطلق است و فرقی بین چند حائل نمی‌گذارد.

امر سوم: وقتی بر روی حائل مسح می‌کشد باید دست آن‌قدر مرطوب باشد که بر روی حائل اثر بگذارد به همان نحوی که بر روی پوست مسح می‌کشد البته لازم نیست آب به باطن برسد و ضرورتی ندارد از آب جدید استفاده کند و باید مسح را در طول و عرض مراعات کند که طول از نوک انگشتان تا قبه و عرض حداقل به اندازه یک انگشت باشد پس در مسئله امتثال مسح بر روی حائل همان مسائل مسح بر روی پوست باید مراعات شود.

مسئله سی و چهارم: آیا مسح بر حائل به خاطر ضیق وقت جایز است یا نه؟ مرحوم سید و غالب محشین جایز می‌دانند اما احتیاط مستحب تیمم هم بکند و این احتیاط حسن عقلی است، اما دلیل، اطلاق کلمه ضرورت در بیان فتاوای امامیه است که اگر ضرورت فقط مال سرما و تقیه بود و ارتباطی به ضیق وقت نداشت باید قید می‌شد و مطلق نمی‌گذاشتند و اینکه ضرورت را مطلق آورند هم شامل سرما و تقیه و هم ضیق وقت می‌شود و همچنین معقد اجماع هم همین است. اما استدلال به معقد اجماع در صورتی تام است که ما بگوییم فقها کلمه سرما و تقیه را از باب مثال ذکر کرده‌اند نه از باب انحصار که وقتی از باب مثال باشد نشان می‌دهد معقد اجماع مطلق است که ضیق وقت را هم شامل می‌شودو

علاوه بر این دو دلیل روایت ابی الورد حضرت فرمودند «الا من عدو» دلیل خوبی است برای جواز مسح بر حائل عند الضیق چون دشمن اگر دینی باشد مثل عامه که باید تقیه کرد و اگر دشمن دنیایی باشد مثلاً در جنگ اینجا اطلاق ضرورت می‌شود و لذا ضرورت از این «الا من عدو» به دست آمد و ضیق وقت حاصل اشتغالات دنیایی است.

سؤال: آیا وجهی برای تیمم هم وجود دارد یا نه؟ اگر دلیل ما همین روایت باشد وجهی ندارد چون روایت جواز مسح بر حائل عند الضرورة جایز می‌داند و نیازی به تیمم نیست و تیمم در غیر مورد ضرورت است لذا برخی از فقها گفته‌اند که ما نمی‌توانیم از این روایت جواز مسح بر حائل را در ضیق وقت استفاده کنیم و برای ما مشکل است و وجه اشکال این است که در تیمم استفاده می‌شود که وضو ضرر دارد اما ضرورت از آن استفاده نمی‌شود و از روایت ابی الورد هم استفاده تیمم نمی‌شود و آنچه استفاده می‌شود تقیه است نه ضرورت چون این صحیحه فقط اشاره دارد که درجایی که دشمن خداست می‌شود بر حائل مسح کرد و قطعاً از ضیق وقت انصراف دارد لذا عمده دلیل همان کلمات اصحاب و امامیه و معقد اجماع است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين